



عنایت، حلیمه و نره‌ای، نرجس. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با میزان نحوه‌ی گذران اوقات فراغت زنان (مطالعه موردی زنان متأهل شاغل شهر نورآباد ممسنی). فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱(۴)، ۳۳-۵۵.

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با میزان و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت زنان (مطالعه موردی: زنان متأهل شاغل شهر نورآباد ممسنی)

حلیمه عنایت^۱ و نرجس نره‌ای^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۳

چکیده

اوقات فراغت به عنوان نمایی از سبک زندگی، مقوله‌ای است که افراد با آرامش و اختیار می‌توانند علایق و تمایلات خود را به کارگیرند و فرصتی است تا نگرش‌های پنهان خود را تعین بخشند. اگرچه با افزایش میزان تحصیلات تغییر در نگرش زنان ایجاد شده است، اما آنها همچنان مسئولیت نقش‌های خانگی را به عهده دارند و نقش‌های متعددشان اوقات فراغت آنها را مشروط و محدود ساخته است. زنان شاغل با «مسئولیت دوگانه» کار بیرون و ارائه خدمات خانگی اغلب با کمبود وقت مواجه و وقت کافی ندارند؛ بدلیل اهمیت این موضوع این مطالعه عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر میزان و نحوه گذران اوقات فراغت زنان متأهل شاغل و موانع موجود بر سر راه آنان را مورد بررسی قرار داد. نمونه مورد مطالعه ۲۰۱ نفر از زنان متأهل شاغل شهر نورآباد ممسنی بودند. نتایج بدست آمده از مطالعه نشان می‌دهد از بین متغیرهای مستقل در مدل تحقیق متغیرهای امکانات فرهنگی، تحصیلات، درآمد، تعداد فرزندان و نوع شغل همسر بیشترین تأثیر را بر میزان اوقات فراغت نمونه بررسی شده داشتند که ۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دادند. نداشتن وقت به‌عنوان اولین مانع و کمبود امکانات دومین مانع از نظر پاسخگویان عنوان شد.

واژه‌های کلیدی: اوقات فراغت؛ زنان؛ مسئولیت؛ نهاد خانواده

^۱ - دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده‌ی مسئول)، henayat@rose.shirazu.ac.ir

^۲ - کارشناس ارشد مطالعات زنان، مدرس دانشگاه پیام نور نورآباد و شهرضا، nareei.narges@gmail.com

مقدمه

پدیده اجتماعی اوقات فراغت و نحوه گذران آن تاریخچه طولانی دارد. بحث و بررسی موضوع اوقات فراغت از شاخه‌های جدیدی است که در جامعه شناسی معاصر ایجاد شده است و هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. برخی از پژوهشگران معتقدند که فراغت پدیده‌ای است که با تمدن صنعتی پیوند دارد و نتیجه رشد صنعت و جامعه مصرفی بوده است. اما عده‌ای دیگر معتقدند که در سراسر تاریخ زندگی بشر وجود داشته و خاص زمان مشخصی نیست. هر کشوری در هر مقطعی از تاریخ که قرار داشته باشد، با مسئله اوقات فراغت مردم روبروست و نحوه گذران آن به عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر جامعه مرتبط می‌باشد. در این میان، اوقات فراغت زنان مسأله مهم و در خور توجه است. زن در نهاد خانواده محور کلیدی است. زنان پایه‌های شکل‌گیری یک خانواده سالم هستند، نقش انکارناپذیری در حفظ سلامت روان بقیه افراد دارند؛ بسیاری از زنان خارج از مشغله‌های روزانه و کار بیرون از خانه ساعات بسیاری را در تنهایی و بدون داشتن برنامه‌ای از پیش تعیین شده می‌گذرانند. قبل از پرداختن به موضوع اصلی لازم است که نگاهی به تعاریف مربوط به اوقات فراغت بیندازیم.

فرهنگ عمید فراغت را به معنای آسودگی و آسایش و آسودگی از کار و شغل معنا کرده است (عمید، ۱۳۷۵). کلمه انگلیسی (Leisure) که به اوقات فراغت ترجمه شده در فارسی معادل با کلمه تفریح می‌باشد و به اوقاتی اطلاق می‌شود که افراد از پرداختن به کارها و وظایفشان فراغت حاصل نموده‌اند. این اوقات می‌تواند شامل سرگرمی و فعالیت‌هایی باشد که افراد با آسودگی خیال و رغبت به آن روی می‌آورند (رجایی، ۱۳۸۳: ۲۹).

سازمان ملی جوانان به بررسی تعاریف مختلف مبتنی بر سه رویکرد اقدام کرده است که این سه رویکرد عبارتند از:

- ۱- فراغت به مثابه زمان: فراغت زمانی است که آنچه را که میتوانیم انتخاب می‌کنیم.
- ۲- فراغت به عنوان فعالیت: فراغت فعلیتی است که موجب ابراز وجود و خودشکوفایی فردی است.

- ۳- فراغت به عنوان یک تجربه‌ی درونی: توجه به وضع روحی و روانی و جهت‌گیری گرایش‌ها، شرایط و تجربه در ارتباط با فراغت است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۶۹)
- در کشورهای توسعه یافته با بسیاری از مؤلفه‌های اجتماعی به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویی آنها از واجب‌ترین ارکان زندگی بشر هستند. از جمله موضوعی که این کشورها در نظر می‌گیرند، بحث تفریح و استفاده‌ی درست از زمان است که شهروند به عنوان زمان استراحت یا اوقات فراغت از آن نام می‌برد (پورحسین، ۱۳۸۸: ۲۵). در کشورهای پیشرفته

اوقات فراغت افراد با تغییرات کلی جامعه تحول پیدا می‌کند. در واقع در این گونه جوامع فراغت انسان‌ها در مسیر صنعتی شدن پیش می‌رود و همه‌ی افراد امکان استفاده از تسهیلات و امکانات را برای گذراندن این اوقات دارند و وسایل و امکانات متعلق به همه است. در حالیکه در کشور ما نوع گذراندن اوقات فراغت و تفریحات به طبقات اجتماعی، نوع ارتباطات اجتماعی، امکانات تفریحی و حتی میزان سواد و محل سکونت افراد بستگی دارد و افرادی که از موقعیت بهتری برخوردارند اوقات فراغت بهتری را هم می‌گذرانند (سبحانی‌نژاد، افشار، و زارعی، ۱۳۸۸: ۲۹). در رابطه با اوقات فراغت هم عامل جنسیت همانند سایر عرصه‌های اجتماعی باعث نابرابری‌هایی شده است و فضاهای فراغتی و موسسات که زنان می‌توانند در آن حضور یابند بسیار کمتر از مردان است. به بیان دیگر، بسیاری از زنان از فضای یکسانی برای کار و اوقات فراغت بهره می‌گیرند که عمدتاً همان فضای خصوصی و خانه محور است.

در بیشتر موارد، نخستین مسئولیت زنان، سازماندهی امور خانه و انجام کارهای آن است. مسئولیت خانگی به گونه‌ای است که تنظیم وقت و مشخص کردن مرز کار از اوقات فراغت را دشوار می‌سازد. بنابراین باعث تکه تکه شدن اوقات فراغت می‌شود. از این رو برای زنان ترسیم خط میان کار و فراغت دشوار است (هیوود، ۱۳۸۰). سه عامل کلیدی در فراغت عبارت‌اند از: زمان، فعالیت و فضا. و زنان در هر سه مورد وضعیت نامساعدی برای فراغت دارند. وقت آنها برای اوقات و فعالیت‌های فراغتی محدود است، فضاهای فیزیکی و اجتماعی که زنان می‌توانند در آنجا به فعالیت‌های فراغتی بپردازند، محدود است و در واقع گزینه‌های اوقات فراغت آنها دچار محدودیت است. تقسیمات اجتماعی، زنان و مردان در حوزه‌ها و لایه‌های متفاوتی جای می‌گیرند. زنان غالباً در «حوزه خصوصی» خانواده قرار می‌گیرند و مراقبت‌های عاطفی و انجام امور خانگی را برعهده دارند. در حالی که مردان در «حوزه عمومی» کار، سیاست و فراغت واقع می‌شوند و تحت حمایت حوزه «خصوصی» قرار می‌گیرند و زنان به آنها خدمت می‌کنند. زنان شاغل با «زحمت دوگانه» انجام کار استخدامی و رسیدگی به کارهای خانه روبه‌رو هستند. (رفعت‌جاه، ۱۳۸۴). واقعیت آن است که امروزه وجود فراغت و اهمیت‌بخشی به آن، هم نتیجه رشد صنعت و هم نتیجه جامعه مصرفی بوده است. با این وجود، امروزه با آن که فراغت تا حدودی از اجبارهای فرهنگی و اجتماعی فاصله گرفته و از سایر فعالیت‌های کاری و شغلی متمایز شده، هنوز فراغت زنان به ویژه زنان متأهل بسیار محدود است و با کارهای خانگی بدون دستمزد درهم آمیخته است.

شواهد گویای آن است که با افزایش زنان متأهل شاغل، مشارکت شوهران در کارهای خانگی افزایش نیافته بلکه اشتغال زن و شوهر تنها باعث افزایش مسئولیت‌های زن می‌شود.

آنچه سبب تداوم تقسیم جنسیتی کار خانگی می‌شود، انتظارات خانواده به‌طور کلی و تمایل شوهران به‌طور خاص است. بسیاری از شوهران ترجیح می‌دهند که همسرانشان شاغل باشند، اما مشکل زمانی بروز پیدا می‌کند که کار دستمزدی، وقت زنان را برای انجام کارهای خانگی و امور مربوط به فرزندان، محدود می‌کند (گرین^۱، ۱۱۹۰: ۱۱۰). در دهه های اخیر میزان اشتغال به تحصیل و کار در زنان ایرانی نیز افزایش یافته است. با این وجود، همراه با این دگرگونی‌ها، نگرش‌ها و ارزشهایی که به تقسیم جنسیتی کار راجع است همچنان سنتی و کلیشه ای مانده و زنان را با چالش‌های هویتی مواجه نموده است. انجام کارهای خانگی (نظافت خانه، آشپزی، بچه داری و مراقبت از سایر اعضای خانواده)، همیشه بر دوش زنان سنگینی می‌کند، بطوری که حتی با فاصله گرفتن زن از خانه، نگرانی انجام این وظایف آنان را رها نمی‌سازد، زنان شاغل با وجود ساعات کار زیاد بیرون از خانه، در ساعات فراغت از اشتغالشان نیز با ضرورت انجام کارهای خانگی روبرو هستند (مقصودی و بستان، ۱۳۸۳: ۱۳۱). براساس تحقیقاتی که تا کنون انجام شده بیشترین میزان اوقات فراغت زنان در شهرهای بزرگ صرف فعالیت‌هایی مانند ورزش، مسائل مذهبی، سیر و سفر، فعالیت‌های هنری (شامل نقاشی، قالی بافی، صنایع دستی، معرق کاری و...) و مطالعه (روزنامه، کتاب، مجله)، سرگرمی‌های دیگر مانند: تلویزیون، کامپیوتر و نیز سرگرمی‌های بیرون از منزل مانند سینما و موزه و تئاتر و خیابان گردی و ... است. اما در شهرهای کوچک تر و روستاها مهمترین نوع گذران اوقات فراغت برای بانوان به شکل دید و بازدید، رفتن به مهمانی و تماشای تلویزیون و در کل بیشتر به صورت دسته جمعی است (علوی زاده، ۱۳۸۸: ۷۳). با توجه به اهمیت این مسائل ما در این تحقیق برآنیم که ببینیم زنانی که شاغل و متأهل‌اند و در یک شهر کوچک با بافت نسبتاً سنتی هستند، اوقات فراغت خود را چگونه می‌گذرانند و چه عواملی بر میزان اوقات فراغت آنها موثر می‌باشد.

اهداف تحقیق

- تعیین سهم زمانی هر یک از فعالیت‌های فراغتی روزانه و هفتگی .
- تعیین موانع موجود در انجام فعالیت‌های مورد دلخواه زنان در زمان فراغت.
- تعیین میزان استفاده زنان از منابع و امکانات در دسترس و کالاهای فرهنگی ارائه شده توسط نهادهای مرتبط در جامعه.

^۱ . Green

- توصیف نظرات زنان در مورد اینکه در صورت داشتن وقت دوست دارند اوقات فراغت خود را چگونه بگذرانند.
- بررسی رابطه عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مرتبط با میزان گذران اوقات فراغت زنان.

تحقیقات پیشین

حسینی و همکاران (۱۳۸۵) پژوهشی تحت عنوان "بررسی چگونگی اوقات فراغت، در بین زنان شهر اراک" انجام دادند. خانم‌های مورد پژوهش، مدت زمان فراغت خود را در شبانه‌روز بین ۳ تا ۸ ساعت بیان کرده‌اند. عمده فراغت آنها صرف صحبت کردن با زنان دیگر و تماشای تلویزیون می‌شد و ورزش و فعالیت‌های اجتماعی و مطالعه کمترین نقش را در گذران اوقات فراغت به خود اختصاص می‌دهند. از نظر این افراد مهمترین علت عدم استفاده از اوقات فراغت، عدم وجود امکانات تفریحی و فرهنگی است.

یزدانیان (۱۳۸۶) پژوهشی تحت عنوان "زنان متأهل و اوقات فراغت در ارومیه" انجام داد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، میزان فراغت زنان مورد مطالعه با چگونگی تقسیم کار خانگی، ارزش‌ها و نگرش‌ها، گرایش مذهبی، تعداد فرزندان خردسال و اشتغال آنان رابطه عکس دارد و به لحاظ چگونگی گذران اوقات فراغت، گذران هدفمند اوقات فراغت با متغیرهای سن و میزان صلاحدید همسران رابطه معکوس دارد و با متغیرهای تحصیلات و سبک زندگی فرد رابطه مستقیم دارد.

یافته‌های پژوهشی علوی زاده (۱۳۸۷) تحت عنوان "بررسی چگونگی و نحوه گذران اوقات فراغت بانوان شهر کاشمر" نشان داد که گذران اوقات فراغت در جامعه مورد بررسی از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده و حدود نیمی از بانوان از چگونگی گذران اوقات فراغت خود ناراضی بوده‌اند. فقدان و یا کمبود امکانات و فضاهای مناسب جهت گذران اوقات فراغت زنان از عوامل بسیار مهم در عدم رضایت آنها بوده است و در رابطه با چگونگی گذران این اوقات نمی‌توان مسائلی همچون کمبود وقت را نادیده گرفت.

ربانی و شیرینی (۱۳۸۸) پژوهشی تحت عنوان "اوقات فراغت و هویت اجتماعی" در تهران انجام دادند. هدف تحقیق بررسی هویت اجتماعی در چارچوب تحلیلی مفهوم «اوقات فراغت» به مثابه بخشی از مفهوم عام «سبک زندگی» است. نتایج تحقیق بیانگر نقش تعیین کننده «طبقه اجتماعی» و ترکیب همزمان «جنسیت» با طبقه اجتماعی در خطوط تمایز و تفاوت

الگوهای گذران اوقات فراغت است. کنشگران اگرچه آزادی انتخاب دارند، اما این انتخاب توسط متغیرهای ساختاری و زمینه‌ای محدود شده است.

عرب مقدم، هندرسن و شیخ الاسلامی (۲۰۰۷) پژوهشی تحت عنوان «اوقات فراغت و موانع مشارکت زنان ایرانی» در دانشگاه شیراز انجام دادند. در این تحقیق بیان شده است که زنان ایرانی موانع بسیاری در ارتباط با فعالیت فراغتی خود دارند که بیشتر این محدودیت‌ها مربوط به کمبود امکانات است. نتایج این پژوهش نشان داد که مطالعه اوقات فراغت زنان در جوامعی مثل ایران با یک زمینه مذهبی و فرهنگی باید انجام شود که جزء لاینفک زندگی تمام افراد در ایران هستند و عقاید سنتی که همراه با اعتقادات اسلامی وجود دارد، باعث می‌شود ایده‌های سکولار مدرنیته- در مورد استقلال زنان در رابطه با اوقات فراغت زیر سوال می‌رود.

پژوهشی توسط ترن^۱ و همکاران (۲۰۰۲) با عنوان "زنان، مردان و اوقات فراغت" در اسکانداویا صورت گرفت. این تحقیق نشان داد که چگونه گذران اوقات فراغت بصورت متفاوتی برای زنان و مردان عمل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در دانمارک، سوئد و نروژ همه زنان اوقات فراغت کمتری از مردان دارند، نتایج این تحقیق همچنین نشان داد که اشتغال تمام وقت بیشتر بر کاهش اوقات فراغت مردان موثر است تا زنان، اما وجود بچه در خانواده اوقات فراغت زنان را نسبت به مردان کاهش می‌دهد.

ون توئیکم و اسکیردر^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه خود با عنوان "تحلیل چندگانه از فعالیتهای فیزیکی در طبقات مختلف اجتماعی کشورهای اروپایی" بیان می‌کنند که با توجه به اهمیت فعالیتهای ورزشی در سلامت انسان و با توجه به اینکه بهترین زمان انجام آنها زمان فراغت است، انجام فعالیتهای ورزشی در زمان فراغت حائز اهمیت است. وی با بررسی خود، براساس سن، جنس، شغل، طبقه و موقعیت اجتماعی تفاوت‌هایی را در نحوه گذراندن اوقات فراغت مشاهده می‌کند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که زنان برای فراغت خود نیاز به امکانات خاصی دارند و دارای شرایط ویژه و متفاوتی با مردان هستند. برای دولت داشتن برنامه ریزی برای طرح‌های ملی به منظور حمایت از فعالیتهای فیزیکی در اوقات فراغت متناسب با فرهنگ و شرایط کشور ضروری است.

^۱. Thrane

^۲. Tuyckom & Scheerder

مبانی نظری

نظریات مختلفی در رابطه با اوقات فراغت پرداخته می‌شود اما بطور کلی می‌توان همه آنها را در قالب ۲ رویکرد قرار داد:

رویکرد روانشناختی: در این رویکرد نظریاتی قرار می‌گیرند که نقش و کارکرد اوقات فراغت را از منظر عوامل روانی و فردی نگاه می‌کنند و توجه چندانی به ساختار کلی نشان نمی‌دهند.

رویکرد جامعه‌شناختی: در این رویکرد تأکید بر ساختارهای کلی دارند و نقش و کارکرد اوقات فراغت را بر اساس متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبیین می‌کنند. از آنجاییکه این تحقیق با رویکردی جامعه‌شناختی انجام شده به نظریاتی که در رویکرد جامعه‌شناسی قرار می‌گیرند اشاره‌ای می‌شود.

نظریه پارکر: پارکر برای اوقات فراغت ارزش مستقل و جدایی از کار قایل نمی‌باشد و برای اوقات فراغت تا آنجا ارزش قایل می‌شود که بتواند فرد را برای کار آماده سازد. الگوی پارکر فقط افراد شاغل را در نظر دارد و سایر قشرها را نادیده می‌گیرد. (پارکر، ۱۹۷۱).

پارکر برای اوقات فراغت و کار سه الگوی مختلف تداوم یا استمرار، تباین و تداخل را پیشنهاد می‌کند. فقدان مرزهای مشخص بین کار و فراغت از ویژگی‌های اصلی و الگوی تداوم یا استمرار است. نمونه این الگو را می‌توان امدادگران اجتماعی، پزشکان، معلمان و تاجران دانست. خصیصه اصلی الگوی تباین کار و فراغت تعیین مرزهای مشخص این دو قلمرو است. الگوی سوم (تداخل) را برگر مشاغل "خاکستری رنگ" معرفی می‌کند و شامل فعالیت‌هایی که تفاوت بین کار و فراغت آنقدر نیست که بتوان یکی را به دیگری تعریف کنیم. کارمندان عادی در این الگو جای می‌گیرند (توسلی، ۱۳۷۵: ۱۲).

نظریه زیمل: زیمل نخستین جامعه‌شناسی بود که به جهان فراغت و مصرف‌گرایی توجه کرد. او در مقاله‌ای به نام "مد" دلایل تغییر مد، آشپزی، پوشاک، هنر،... را در فرهنگ مدرن جستجو می‌کند و انواع گسترده‌ای از انتخاب را برای مصرف‌کننده عرضه می‌کند. او به شیوه‌ای خاص، ماجراجویی را از گونه اجتماعی مدرن می‌داند، فردی که در ماجراجویی درگیر می‌شود و می‌کوشد از جریان‌های یکنواخت زندگی روزانه بیرون رود و در قلمرو فعالیت با قواعد و آهنگی متمایز و ویژه گام نهد (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۷۹).

کار در قلمرو ضرورت است، اما در قلمرو اوقات فراغت است که ماجراجویی رخ می‌دهد. در جهانی بوروکراتیک، عقل‌گرا و افسون‌زدایی شده، ماجراجویی این فرصت را برای فرد فراهم می‌-

کند که هر چند کوتاه از اجبارها و محدودیت‌های چنین نظم اجتماعی رها شود (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۸۰).

دیدگاه فمینیسم: فمینیسم از این نقطه آغاز می‌کند که زنان سرکوب می‌شوند و سرکوب ایشان مسئله مهمی است. به دلیل دسترسی بیشتر مردان به امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اقتدار آنها آزادی عمل زنان محدود می‌شود و ریشه اصلی این محدودیت را باید در دولت، اقتصاد و دیگر نهادهای عمومی پیدا کرد (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۳۱). شماری از کسانی که در زمینه اوقات فراغت بر روی مسایل فمینیستی کار کرده‌اند بطور متقاعد کننده‌ای استدلال می‌کنند که اوقات فراغت برای زنان و مردان مفاهیم متفاوتی دارد. در تعاریفی که اوقات فراغت به عنوان وقت-آزاد پس از انجام کارهای موظف با حقوق توصیف می‌شود، تجربه روزانه بیشتر زنان نادیده انگاشته شده است. بیشتر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بازتاب تجربه در مورد اشکال و فعالیت‌های اوقات فراغت است (هیوود و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۶۱). به عقیده فمینیست‌ها زنان از نظرات اجتماعی در موقعیتی قرار گرفته‌اند که نمی‌توانند به گونه‌ای هدفدار عمل کنند و برنامه‌های ویژه‌ای را برای دستیابی به هدف‌هایشان در پیش گیرند، زیرا این آنها نیستند که راه زندگی‌شان را انتخاب می‌کنند بلکه سیر حوادث، تصادفات و اتفاقات مسیر زندگی آنها را تعیین می‌کند (ریتزر، ۱۳۷۷: ۵۲۴). ساختارها و راهبردهای رسمی مورد استفاده مردان را برای تسلط بر زنان، بطور عام و اوقات فراغت آنها بطور خاص، گونه‌گون و پیچیده است. دستیابی به چنین تسلطی با مشارکت همه مردان امکان‌پذیر است. مردان منفردی که ادعا دارند طرفداران سرسخت تسلط مردان بر زنان نیستند ممکن است به شکلی انفعالی به تزیینات ساختاری گسترده‌تری که باعث تضمین تسلط مردان بر زنان می‌شود تن در دهند (هیوود و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۶۱).

نظریه بوردیو: او پژوهش‌هایی درباره فعالیت‌های اوقات فراغت و شیوه‌های زندگی انجام داد تا نشان دهد چگونه نظام‌های مسلط نابرابری‌های مبتنی بر طبقه پایدار می‌ماند. بیشتر پژوهش‌های او متمرکز بر سلیقه‌ها و علایق هنری است. بوردیو در رهیافت نظری خود و در تحلیل سبک‌های زندگی نشان می‌دهد تمایزهای اجتماعی و ساختاری چگونه از رهگذر صورت‌های فرهنگی قابل بیان است (باکاک، ۱۳۸۱: ۹۶). برای فهم بهتر نظریه بوردیو درباره اوقات فراغت باید به مفاهیم اصلی او توجه کرد. عادتواره^۱ (سلیقه‌ها) و سرمایه و میدان از آن جمله مفاهیم هستند.

^۱ . Habitus

از نظر بورديو عادتواره عبارتست از موقعيت فرد که کنش‌هايش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عادتواره از طريق جایگاه فرد در ساختار اجتماعی و درونی کردن این ساختار بوجود می‌آید و تعیین می‌کند که فرد چه امکانات عملی دارد (دومايس، ۲۰۰۲: ۴۶). به ازاء هر سطح از موقعیت‌ها، سطحی از عادتواره‌ها (سلیقه‌ها) وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به وجود می‌آید و یکی از کارکردهای این مفهوم آن است که از وحدت اسلوبی که اموال و اعمال یک عامل اجتماعی منفرد و یا یک طبقه از عاملان را یکسان می‌کند، خبر می‌دهد (بورديو، ۱۳۸۱: ۳۵). اصطلاح عادتواره به این مطلب اشاره دارد که عادت‌ها همواره توانایی تعمیم شکل‌های اساسی و طرح‌واره‌های اساسی خود را به همه بخش‌های زندگی دارند. این شیوه‌ای است که بورديو برای تبیین الگوهای عمیقاً ساختار یافته رفتار در حوزه‌های مختلف جامعه انتخاب کرده است و به این ترتیب عادتواره به بورديو توانایی شناخت شیوه‌های موازی کنش در حوزه‌های متفاوت همچون حوزه تنظیم خانواده، لباس پوشیدن، انتخاب تفریحات و ... را می‌دهد (اسوارتز، ۲۰۰۲: ۶۲). سرمایه از نظر بورديو به هر نوع قابلیت، مهارت و توانایی اطلاق می‌شود که فرد می‌تواند در جامعه بصورت انتسابی یا اکتسابی بدست آورد و از آن در روابطش با سایر افراد و گروه‌ها برای پیشبرد موقعیت خود بهره‌برد. او میان چهار نوع سرمایه تمایز قائل است:

۱. سرمایه اقتصادی: پول یا بازارهای مادی که جهت تولید کالا و خدمات قابل استفاده است.
۲. سرمایه اجتماعی: موقعیتها و روابط در گروه‌بندی‌ها و شبکه‌های اجتماعی.
۳. سرمایه فرهنگی: مهارت‌های بین شخصی غیر رسمی مثل عادت‌ها، رفتارها، سبک‌های کلامی، و شیوه‌های زندگی.
۴. سرمایه نمادین: استفاده از نمادها جهت مشروعیت بخشیدن به برخورداری از سطوح متنوع و اشکال دیگر سرمایه (ترنر، ۲۰۰۳).

بورديو، سبک زندگی و فعالیت‌های مختلف در این حوزه را در تحلیل‌های خود درباره تمایز اجتماعی مطرح می‌کند. از نظر بورديو سبک‌های زندگی می‌توانند به بهترین وجه خود را در مجموعه متنوعی از فعالیت‌های اجتماعی از جمله اعمالی که به اوقات فراغت مربوط می‌شوند مانند ورزش‌ها، مطالعه، موسیقی، سینما و سایر امور ذوقی نشان دهند. در چارچوب این تحلیل، بورديو پیشنهاد می‌کند فعالیت‌های اوقات فراغت را باید به عنوان «حوزه‌ای از امکانات وابسته به انشای ادبی یا هنری» به حساب آورد. در این حوزه، انواع گوناگون فعالیت‌های اوقات فراغت، فضاها و نهادهای گوناگونی که این فعالیت‌ها ممکن است در آنها

انجام گیرد یا روش‌های مختلف و رویکردهای گوناگونی که شخص ممکن است در آنها انجام گیرد یا روش‌های مختلف و رویکردهای گوناگونی که شخص امکان انتخاب می‌دهد و این گزینه‌ها وابسته به مواد یا شرایط ویژه‌ای است که در اختیار خود شخص قرار دارد (هیوود و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۲۰).

چارچوب: بورديو به عنوان يك ساختارگرا پژوهش‌هایی را درباره فعالیت‌های اوقات فراغت و شیوه‌های زندگی انجام داده است. در این پژوهش بیشتر بر روی دو مفهوم سرمایه و عادتواره از نظریه بورديو تأکید می‌شود. عادتواره را به عنوان سیستمی از حالت‌های شناخته و ناشناخته که به وسیله عاملین رفتار بکار برده می‌شود، می‌شناسد. از نظر او عادتواره ستون فقرات رفتار اجتماعی افراد است که مجموعه‌ای از منابع، فشارها، هنجارها و ارزش‌ها را برای فعالیت‌های اجتماعی فرد هم در نهادهای دولتی و هم در عرصه‌های عمومی فراهم می‌آورد. مفهوم عادتواره بورديو همان سلیقه‌های متفاوت افراد است. در این پژوهش مفهوم عادتواره بورديو منطبق به متغیر وابسته که همان نحوه گذران اوقات فراغت است، می‌باشد.

دومین مفهومی که از نظریه بورديو در اینجا بر روی آن تأکید می‌شود مفهوم سرمایه است. بورديو سرمایه را کار انباشته شده عامل و یا گروهی از عاملان که باعث می‌شود این عاملان بتوانند انرژی را جسمیت ببخشند و به حالت ماده درآوردند، می‌داند. از نظر او نوع و مقدار سرمایه‌ای که افراد در اختیار دارند با نوع عادتواره (سلیقه‌ای) آنها رابطه دارد و در واقع انتظاراتی که در عادتواره تولید می‌شود به میزان سرمایه‌ای است که در اختیار افراد قرار است. مثلاً میزان برخورداری یک تاجر و یک استاد دانشگاه از سرمایه فرهنگی، اجتماعی، نمادین متفاوت است و همین باعث می‌شود که سبک زندگی و نحوه گذران اوقات فراغت آنها با یکدیگر متفاوت باشد. بنابراین زمانی که بورديو سخن از انواع سرمایه‌ها می‌گوید در واقع متغیرهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در نظر دارد. نظریه بورديو در مورد چگونگی شکل‌گیری اوقات فراغت را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

«افراد با توجه به تجربیات اوان زندگی خویش خواست‌های ویژه و متفاوتی پیدا می‌کنند که بعدها به برداشت، سلیقه و علاقه تبدیل می‌شود.

این خواست‌ها قابلیت نقل مکان دارد، یعنی در تمام اشکال فعالیت‌های فراغتی و مصرفی خودنمایی می‌کند.

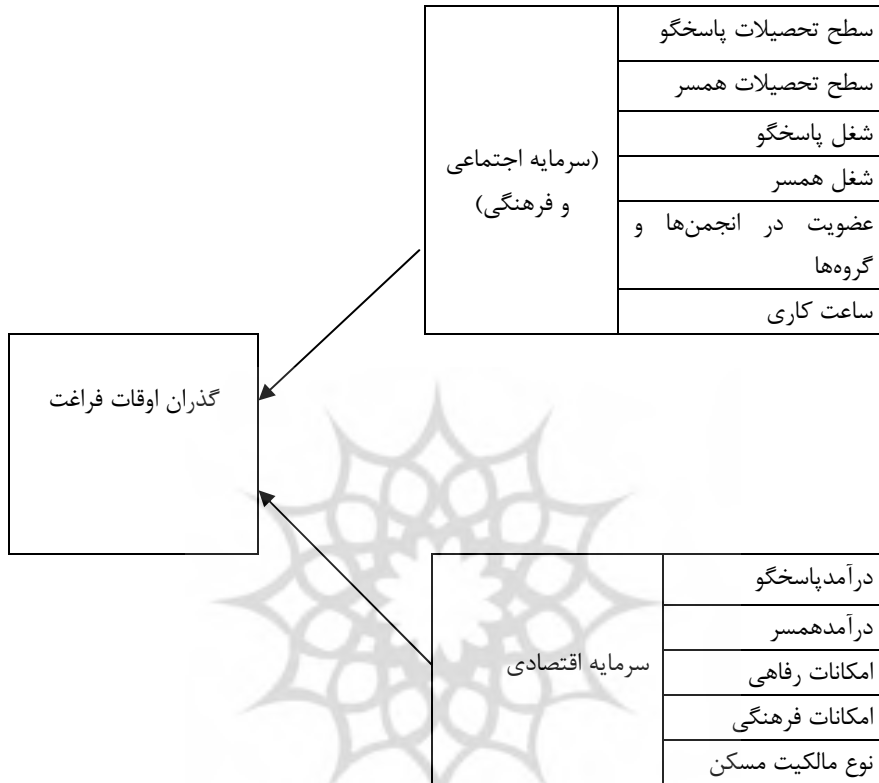
افراد از نظر برداشتی که از فعالیت‌های فراغت دارند با همدیگر متفاوتند.

فعالیت‌های فراغتی گوناگون نیاز به انواع متفاوتی از شایستگی فرهنگی دارد.

اهمیت فعالیت‌ها و فضاها و فراغتی و سبک‌های خاص فراغت به نحوه توزیع آن‌ها در بین گروه‌های مختلف اجتماعی بستگی دارد.

گزینه‌های فراغت از این اهمیت توزیعی سرچشمه می‌گیرد، علایق و سلیقه‌ها ابزارهایی برای نشان دادن تمایز و تشخیص اجتماعی است (هیوود و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۶۰)».

مدل پژوهش:



روش تحقیق

در این پژوهش جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از طریق دو روش کتابخانه‌ای و پیمایش انجام شد. در بخش مطالعات کتابخانه‌ای، مبانی نظری و سوابق مطالعاتی موضوع بررسی و براساس آن، تعدادی از شاخص‌ها و معیارهای مرتبط با اوقات فراغت زنان انتخاب شد. جامعه آماری زنان متأهل شاغل در شهر نورآباد ممسنی است که براساس سرشماری ۱۳۹۰ و اطلاعات

گرفته شده از مرکز ثبت احوال شهر نورآباد تعداد زنانی که هم شاغل هستند و در عین حال متأهل ۳۸۰ نفر می‌باشند. یک نمونه ۲۰۱ نفری از این گروه از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند.

تکنیک جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه بود. این پرسشنامه محقق ساخته است و دارای روایی صوری است، بدین صورت که سؤالهای پرسشنامه به چند تن از استادان بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز برای داوری ارائه شد. برای اطمینان یافتن از پایایی سؤالهای پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج گویای آن بود که ضریب آلفای کرونباخ گویه‌های فعالیت مربوط به اوقات فراغت ۰/۸۳ است و آلفای مربوط به گویه‌های موانع فعالیت‌های فراغتی دلخواه زنان ۰/۷۳ است.

در این تحقیق متغیرهای مربوط به نحوه گذران اوقات فراغت با هدف توصیفی و بصورت کیفی بوده و متغیر میزان اوقات فراغت صورت زمانی و کمی و در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است.

متغیرهای مستقل در این تحقیق عبارتند از: متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهایی که شاخص سرمایه‌های مختلف می‌باشند مانند: سن زنان، سطح تحصیلات زنان و همسرانشان، میزان درآمد زنان، تعداد فرزندان پسر و دختر، نوع مالکیت مسکن (اجاره، رهن، شخصی)، ساعت کاری، سابقه کاری و در نهایت داشتن امکانات رفاهی (ماشین لباسشویی، مایکروفر، ماشین ظرفشویی) و امکانات فرهنگی (کامپیوتر، تلویزیون، اتومبیل، ماهواره، ویدئو سی دی، ضبط و رادیو).

با توجه به نظریه بوردیو، شاخص‌های زیر برای هر کدام از سرمایه‌ها در نظر گرفته شده است:

۱- درآمد فرد و همسرش، نوع شغل فرد و همسرش و مالکیت مسکن و برخورداری از امکانات رفاهی برای سرمایه‌ی اقتصادی؛ ۲- عضویت در انجمن‌ها برای سرمایه‌ی اجتماعی؛ ۳- میزان تحصیلات پاسخگو، تحصیلات همسر و برخورداری از امکانات فرهنگی برای سرمایه‌ی فرهنگی؛

متغیر وابسته: میزان گذران اوقات فراغت، فراغت وقت آزادی است که فرد در آن به انواع فعالیت‌های مطلوب و دلخواه خود که البته هنجارها و ارزش‌های جامعه آن را مجاز می‌شمارد، می‌پردازد. انواع این فعالیت‌ها به ۳ گروه تقسیم گردیده است که شامل فعالیت‌های زیر هستند:

- شامل فعالیت‌های اجتماعی در نهادهای رسمی و غیر رسمی: که خود شامل فعالیت‌هایی همچون ملاقات اقوام و خویشاوندان، عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های عضو و شرکت در کلاس‌های آموزشی می‌باشد. (بصورت ساعت اختصاص یافته در هفته سنجیده شده‌اند)
 - فعالیت‌های فرهنگی: شامل فعالیت‌هایی چون مطالعه کتب غیر درسی مجلات و روزنامه، استفاده از اینترنت، تماشای تلویزیون، گوش دادن به رادیو و انجام کارهای هنری. (بصورت ساعات اختصاص یافته روزانه سنجیده شدند)
 - فعالیت‌ها در نهادهای رسمی و غیر رسمی: شامل نماز خواندن، خواندن دعا و قرآن، شرکت در مراسم دعا و رفتن به اماکن مذهبی. (بصورت ساعات اختصاص یافته در هفته سنجیده شده‌اند) (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱).
- همانطور که ذکر شد بعضی از فعالیت‌ها بصورت ساعات هفتگی بیان شده‌اند و بعضی دیگر هم بصورت ساعات روزانه و در نهایت ترکیبی از این سه نوع فعالیت بصورت ساعات مختص به هر فعالیت در هفته بیان شده‌اند. و مجموع این فعالیت‌ها که در سطح کمی و فاصله-ای سنجیده شده‌اند به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

نتایج و یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین سنی گروه مورد مطالعه ۳۵ سال است و میانگین تعداد فرزندان آنها ۲ می‌باشد. سطح تحصیلات ۵۰/۳ درصد گروه مورد مطالعه لیسانس است. ۷۱/۱ درصد دارای مسکن شخصی بوده و شغل ۵۸/۲ درصد زنان معلمی بود و ۳۳/۸ درصد شغل کارمندی داشتند و تنها ۸/۰ درصد دارای مشاغل عالی بودند. شغل ۵۵/۳ درصد همسران زنان معلمی و کارمندی و ۳۰ درصد همسران دارای مشاغل آزاد بودند. میانگین درآمدی زنان پاسخگو ۵۰۰ هزار تومان و میانگین درآمد همسرانشان ۶۲۷ هزار تومان است. ۶۹/۲ درصد افراد مورد مطالعه بین ۶ تا ۸ ساعت در روز کار می‌کنند و میانگین سابقه کاری آنان ۱۱ سال می‌باشد. ۵۴ درصد زنان کارهای منزل را خودشان به تنهایی انجام می‌دهند و ۴۴ درصد هم به کمک همسرشان کارهای خانه را انجام می‌دهند.

به لحاظ استفاده از امکانات رفاهی، ۹۱/۵ درصد از ماشین لباسشویی و ۴۴/۸ درصد از آرام‌پز و تنها ۱۸/۴ درصد از ماشین ظرفشویی استفاده می‌کردند. در رابطه با استفاده شخصی از امکانات فرهنگی عنوان شده، ۷۶/۶ درصد از تلویزیون و ۴۴/۸ درصد از کامپیوتر استفاده می‌کنند. و بقیه امکانات فرهنگی مثل ماهواره، ویدئو سی دی، اتومبیل، ضبط و رادیو از هر کدام بطور مساوی ۲۶ درصد از افراد از آنها استفاده می‌کنند.

جدول ۱: فعالیتهای فراغتی روزانه برحسب ساعت

نوع فعالیت	درصد انجام دهندگان	میانگین
تماشای تلویزیون	۸۹/۶	۲/۴۶
استراحت کردن در منزل	۸۵/۱	۲/۶۷

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود اکثریت زنان در اوقات فراغت خود تلویزیون تماشا می‌کنند و بطور متوسط دو ساعت و نیم در هر روز تلویزیون می‌بینند و دو ساعت هم روزانه در منزل استراحت می‌کنند.

جدول ۲: فعالیتهای فراغتی هفتگی برحسب ساعت

نوع فعالیت	درصد انجام دهندگان	میانگین
مطالعه (روزنامه، مجله، کتاب غیر درسی)	۷۷/۶	۲/۶۷
استفاده از اینترنت	۲۳/۴	۱/۱۶
شرکت در کلاس‌های آموزشی	۲۳/۴	۰/۷۳
گوش دادن به رادیو یا ضبط	۲۸/۹	۰/۷۱
فعالیت‌های مذهبی	۶۱/۳	۲/۴۸
نشستن در کوچه و خیابان	۵۳/۷	۲/۳۰
گشتن در بازار و خرید کالاهای غیر لازم	۵۰/۸	۱/۸۵
انجام کارهای مربوط به باغداری و گلکاری	۲۸/۴	۱/۰۳
انجام کارهای هنری (غیر درآمدزا)	۲۱/۴	۰/۸۸
دیدن اقوام و خویشان	۸۷/۶	۵/۴۹
شرکت در فعالیتهای انجمن‌های عضو	۱۲/۹	۰/۴۲
رفتن به پارک و مناطق تفریحی	۶۰/۳	۲/۳۸
صحبت کردن با تلفن	۸۵/۶	۲/۸۹
رفتن به باشگاه‌های ورزشی	۲۴/۴	۰/۸۸

با توجه به جدول بالا از بین فعالیتهای فراغتی هفتگی زنان بیشترین درصد را دیدن اقوام و خویشان به خود اختصاص داده است که دلیل این عامل را شاید بتوان در بافت فرهنگی

موجود در شهر و روابط نزدیک بین افراد مورد مطالعه پیدا کرد و بعد از آن هم صحبت کردن با تلفن قرار دارد. کمترین میانگین مربوط به فعالیت در انجمن‌های عضو و گوش دادن به رادیو و شرکت در کلاس‌های آموزشی می‌باشد. به عبارت دیگر، زنان در اوقات فراغت خود کمتر به این فعالیت‌ها می‌پردازند.

جدول ۳: توزیع درصدی موانع انجام فعالیت‌های مورد دلخواه زنان در زمان اوقات فراغت

موانع انجام فعالیت‌های مورد دلخواه زنان	واحد درصد	زبان	متوسط	ح	تاریخ	پایین
مسائل مالی و هزینه بالای اسفاده از امکانات	۲۰/۴	۲۵/۴	۲۸/۹	۱۲/۹	۱۱/۹	۳/۳۰
کمبود مراکز تفریحی و امکانات	۲۹/۴	۲۰/۹	۲۴/۴	۱۰/۹	۱۴/۴	۳/۳۹
عدم احساس امنیت در مراکز تفریحی، فرهنگی	۱۷/۴	۲۴/۴	۲۴/۹	۲۰/۴	۱۲/۹	۳/۱۲
محدودیت‌های خانگی (مخالفت همسر و سایر اعضا خانواده)	۵/۵	۱۰/۰	۱۴/۹	۲۴/۹	۴۴/۸	۲/۰۶
نداشتن علاقه و انگیزه	۳/۵	۹/۰	۲۸/۴	۲۹/۹	۲۹/۴	۲/۲۷
نداشتن وقت	۲۱/۹	۲۷/۹	۲۹/۴	۱۱/۴	۹/۵	۳/۴۱

همانطور که ملاحظه می‌شود در جدول بالا به مواردی از موانعی که ممکن است در انجام فعالیت‌های مورد دلخواه زنان در زمان فراغت آنها مانع ایجاد کند اشاره شده است که همانگونه که نتایج نشان می‌دهد مهمترین عامل نداشتن وقت و کمبود مراکز تفریحی و امکانات از نظر زنان بیان شده است و کمترین تأثیر را محدودیت‌های خانوادگی دارد. با توجه به اینکه جامعه مورد مطالعه در این پژوهش یک شهر کوچک و محروم می‌باشد، منطقی است که کمبود امکانات و مراکز تفریحی بسیار در ایجاد موانع جلوه‌گر باشد.

با توجه به این که یکی از اهداف جزئی تحقیق تعیین نظر خود پاسخگویان در رابطه با نحوه گذران اوقات فراغت خود می‌باشد یک پرسش باز هم در این زمینه مطرح شد و از پاسخگویان پرسیده شد که در صورت داشتن وقت کافی علاقمند به انجام چه نوع فعالیت‌هایی در اوقات فراغت خود هستند که بصورت مختصر در جدول زیر به ترتیب درصد فراوانی و اولویت ارائه می‌شود.

جدول ۴: توزیع درصدی فعالیتهای فراغتی مورد دلخواه زنان

نوع فعالیت	درصد فراوانی
تفریح و مسافرت	۸۰/۹
مطالعه (روزنامه، مجله، کتاب غیردرسی)	۶۵
ورزش و رفتن به باشگاه	۴۴/۰
استراحت، رسیدگی به امور فرزندان و خانه	۳۸/۹
دیدن اقوام و خویشان	۲۹/۲
تماشای تلویزیون	۲۱/۶
انجام فعالیت مذهبی	۲۰/۱
انجام کارهای مربوط به باغداری و گلکاری	۱۵/۴
انجام کارهای هنری	۱۲/۸

همانطور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود اکثر پاسخگویان در رده اول رفتن به تفریح و مسافرت را ترجیح می‌دهند و بعد از آن مطالعه روزنامه و مجله جزء اولویتهای پاسخگویان است. از آنجا که زنان اغلب با کمبود وقت مواجه هستند و برای زنان شاغل دارای فرزندان خردسال، فراغت، فواصل زمانی باقیمانده از کار خانگی است. در جدول هم نشان داده شده که رسیدگی به امور فرزندان و خانه در الویت چهارم زنان، برای نحوه گذران اوقات فراغت می‌باشد؛ و موید این نکته است که به علت کمبود وقت، تفاوت کار و تفریح برای زنان محسوس نیست و برای زنان متأهل، شرایط تفریح، متأثر از شرایط خانواده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره برای آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل

با میزان اوقات فراغت زنان

ردیف	متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیونی B	تغییرات ضریب تعیین R^2	ضرایب تعیین تجمعی R^2	ضرایب استاندارد شده Beta	مقدار t	سطح معناداری
	مقدار ثابت	۱۵۷/۲۳۰				۱۹/۳۰۵	۰/۰۰۰
۱	امکانات فرهنگی	۱/۰۲۳	۰/۲۵۴	۰/۲۵۴	۰/۴۲۰	۸/۱۴۲	۰/۰۰۰
۲	تحصیلات فرد	۱/۳۲۷	۰/۰۱۲	۰/۲۷۸	۰/۳۷۱	۵/۶۷۱	۰/۰۰۱
۳	درآمد فرد	۱/۴۵۱	۰/۰۱۰	۰/۲۹۱	۰/۲۲۴	۴/۰۱۲	۰/۰۲۲
۴	تعداد فرزندان پسر	-۰/۹۶۷	۰/۰۰۹	۰/۳۰۱	-۰/۱۹۰	-۳/۵۲۰	۰/۰۱۸
۵	نوع شغل همسر	۰/۳۵۸	۰/۰۰۵	۰/۳۱	۰/۱۷۵	۲/۴۱۲	۰/۰۱

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که در گام اول، داده‌های جدول نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل تحقیق (سن، درآمد، سابقه کاری، ساعات کاری، بعد خانوار، تحصیلات، امکانات رفاهی، امکانات فرهنگی، نوع شغل فرد و همسرش) که در معادله وارد شده‌اند پنج متغیر امکانات فرهنگی، امکانات رفاهی، درآمد، تعداد فرزندان پسر و نوع شغل در مدل نهایی ماندند، اما این که کدام یک از این متغیرهای مستقل، نقش بیشتری در تعیین متغیر وابسته دارند، باید از طریق مقادیر بتاها تشخیص داد. این مقادیر، همچنین گویای جهت و شدت تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نیز هستند.

از میان این پنج متغیر مستقل موجود در معادله رگرسیونی، متغیر امکانات فرهنگی با ضریب بتای $0/420$ به بهترین وجه تغییرات متغیر وابسته (میزان اوقات فراغت) را تبیین می‌کند؛ بدین صورت که ضریب تأثیر این متغیر $0/254$ است. این ضریب گویای آن است که $25/4$ درصد از واریانس اوقات فراغت توسط متغیر مستقل امکانات فرهنگی تبیین می‌شود. که البته این متغیر دارای رابطه مستقیم با متغیر وابسته است و به عبارتی با افزایش میزان برخورداری از امکانات فرهنگی میزان اوقات فراغت هم افزایش می‌یابد. در گام بعدی متغیر تحصیلات پاسخگو با دارا بودن بتای $0/371$ نشان می‌دهد که این متغیر با ضریب تأثیر $1/2$ درصد از واریانس میزان اوقات فراغت توسط تحصیلات تبیین می‌شود که این متغیر هم دارای رابطه مثبت و مستقیم با اوقات فراغت می‌باشد. در گام سوم متغیر درآمد با بتای $0/224$ ، ضمن بیان تأثیر مستقیم بر اوقات فراغت نشان می‌دهد که هر چه میزان درآمد زنان بیشتر باشد، میزان اوقات فراغت افراد بیشتر می‌شود. همچنین ضریب تأثیر این متغیر $0/10$ است که گویای آن است که 1 درصد از واریانس اوقات فراغت توسط درآمد تبیین می‌شود.

در گام چهارم تأثیر گذاری، از متغیر تعداد فرزندان باید نام برد که با دارا بودن بتای $0/190$ - نشان می‌دهد که این متغیر دارای تأثیر معکوس بر اوقات فراغت است. به عبارتی هر چه تعداد فرزندان پسر در خانواده بیشتر باشد، از میزان اوقات فراغت مادران کاسته می‌شود. ضریب تأثیر این متغیر $0/009$ است که نشان می‌دهد که $0/9$ درصد از واریانس اوقات فراغت توسط تعداد فرزندان پسر تبیین می‌شود. در گام پنجم، متغیر نوع شغل همسر با ضریب بتای $0/175$ نشان می‌دهد که این متغیر دارای تأثیر مستقیم بر میزان اوقات فراغت است. به عبارتی، هر چه مرتبه شغلی همسران زنان بالاتر باشد میزان اوقات فراغت زنان افزایش می‌یابد. ضریب تأثیر این $0/005$ است که به این معناست که $0/5$ درصد از واریانس اوقات فراغت توسط نوع شغل همسر تبیین می‌شود.

نتیجه گیری

موضوع فراغت یکی از مسائل بسیار مهم انسان امروزی است که نادیده گرفتن و به هدر رفتن این اوقات زمینه‌های بروز یکسری ناهنجاری‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی را مهیا می‌سازد زیرا در جهان پرتنش امروزی که انسانها بدلیل مشغله فراوان همواره احساس خستگی می‌کنند اهمیت اوقات فراغت بر کسی پوشیده نیست. در این میان توجه به اوقات فراغت زنان که نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند ضروری بنظر می‌رسد. زنان نقش بسیار مهمی در پرورش و رشد سایر افراد در جامعه دارند و بهره‌گیری صحیح و شایسته از اوقات فراغت می‌تواند در شادابی زنان و سلامت روحی و روانی جهت فراهم کردن محیط امن و آرام نهاد خانوادگی داشته باشد. با توجه به اهمیت موضوع ما در این پژوهش عوامل موثر بر گذران اوقات فراغت زنان را مورد بررسی قرار دادیم. در این تحقیق میانگین سنی زنان ۳۵ سال بود و ۶۰ درصد آنها شغل معلمی داشتند و میانگین درآمدی آنها ۵۰۰ هزار تومان بود و سطح تحصیلات ۵۰ درصدشان لیسانس بود. ۷۱ درصدشان دارای مسکن شخصی بودند و ۵۴ درصد زنان کارهای خانه را خود به تنهایی انجام می‌دادند و بطور میانگین ۶ ساعت در روز سر کار هستند. همانطور که در جداول یافته‌ها ملاحظه شد بیشترین میانگین نحوه گذران اوقات فراغت به دیدن اقوام و خویشاوندان مربوط است و این موضوع نشان دهنده این مهم است که دید و بازدید و مهمانی رفتن و مهمان پذیرفتن، که از پایدارترین سنن و عادات ایرانیان بوده و هنوز هم رواج دارد. در شهرهای کوچک و روستاها، مهم ترین نوع وقت گذرانی، همین مهمانی هاست. گسترش شهرنشینی و کاهش نسبی ابعاد خانواده و رشد روزافزون شخصیت و فردیت هنوز نتوانسته است خوی مهمانی دوستی و مهمان نوازی را که ایرانیان در خلال روزگاران به آن مشهور بوده اند، فرونشاند. از این رو گروه های چهره به چهره طبیعی؛ چون خانواده و خویشان و جمع دوستان در جامعه ما هنوز اهمیت شایان دارد و بعد از آن هم تماشای تلویزیون و مطالعه یکی از راه‌های گذران اوقات فراغت زنان و استفاده از رسانه‌های مختلف می‌باشد و زنان با در اختیار داشتن امکانات فرهنگی همچون کامپیوتر و تلویزیون و رادیو و ماهواره و ویدئوسی دی می‌توانند اوقات فراغت خود را پر کنند بخصوص برای زنانی که در شهرهای کوچک هستند و با کمبود امکانات مواجه‌اند و در محدوده خانه باید اوقات فراغت خود را بگذرانند حائز اهمیت است.

حال باید دید کدامیک از عوامل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بر گذران اوقات فراغت زنان تأثیر داشته است. به نظر بوردیو، انتخاب‌هایی که افراد در مورد گزینه های فراغت انجام می‌دهند، اساساً اجتماعی است و مردم سبک های زندگی و فعالیت های فراغتی را می آموزند و

با توجه به سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، نحوه‌ی گذران اوقات فراغت متفاوت است. بعلاوه، چون گروه‌های طبقاتی درآمدی و شغلی مختلف در جامعه‌ی ما دارای سبک زندگی متفاوت هستند و میزان و نوع فراغت‌های آنها تغییر می‌کند، بنابراین، سرمایه اقتصادی به عنوان متغیر مستقل مؤثر بر اوقات فراغت بررسی شده‌اند. بر طبق نتایج بدست آمده از داده‌ها، میان تحصیلات فرد، درآمد فرد، شغل همسر زنان، سن زنان، سابقه کاریشان، تعداد فرزندان پسر و استفاده از امکانات فرهنگی رابطه مستقیم معناداری با اوقات فراغت زنان دارند. متغیرهای دیگری همچون تحصیلات همسرش، شغل زنان، نوع مالکیت مسکن، ساعت کاری و امکانات رفاهی و اینکه کار خانه توسط چه کسی در خانه انجام می‌شود رابطه معناداری با متغیر وابسته نداشتند به عبارت دیگر این متغیرها چندان بر اوقات فراغت زنان تأثیر گذار نیست. در نهایت برای تعیین اینکه کدام یک از متغیرها دارای بیشترین تأثیر و رابطه با اوقات فراغت هستند تمام متغیرهای مستقل با همدیگر وارد رگرسیون چند متغیره شدند و نتایج بدست آمده نشان داد که پنج متغیر برخورداری از امکانات فرهنگی، تحصیلات فرد، درآمد فرد، تعداد فرزندان پسر، نوع شغل همسر دارای بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته بودند که در مجموع ۳۱ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط این پنج متغیر تبیین می‌شدند. تأثیرپذیری اوقات فراغت از سبک زندگی، تحصیلات، درآمد، امکانات فرهنگی مؤید نظریه تجربه بورديو است و این نتیجه با نتایج تحقیق یزدانپناه مبنی بر اینکه به لحاظ چگونگی گذران اوقات فراغت با متغیرهای تحصیلات و سبک زندگی فرد دارای رابطه مستقیم است، همخوانی دارد.

با توجه به بافت فرهنگی جامعه ما طبقه اجتماعی- اقتصادی خانواده‌ها توسط شغل و درآمد مردان تعیین می‌شود و زنان در هر رده شغلی که باشند تعیین کننده پایگاه خانواده نیستند و به نوعی کمتر مؤثرند. بنابراین بر طبق نظر بورديو درباره سبک زندگی زنان و تعیین عادتواره متناسب با آن در هر اموری بطور عام و اوقات فراغت زنان بطور خاص شغل مردان تعیین کننده است. همانطور که در این پژوهش نتایج هم نشان داد که زنانی که همسرانشان دارای مشاغل عالی بودند میزان اوقات فراغت بیشتری داشتند و بهتر از سایرین می‌توانستند از اوقات خود استفاده کنند و با توجه به رفاهی که داشتند از امکانات موجود استفاده کنند. با توجه به سنت جامعه ما دختران از همان دوران کودکی با مسئولیت‌های خانگی آشنا می‌شوند و جزء وظایف آنها محسوب می‌شود بنابراین زنانی که دارای فرزند پسر بودند اوقات فراغت کمتری داشتند چون مسئولیت نگهداری کامل پسران در سنین پایین را بر عهده دارند اما فرزندان دختر خود از پس بسیاری از کارها برمی‌آیند.

نکته دیگر در رابطه با نتایج این تحقیق این است که زنان به موانع و مشکلاتی که برای گذران اوقات فراغت زنان ذکر شده بود اولین مانع را نداشتن وقت عنوان کرده‌اند که علوی‌زاده هم در تحقیق خود بیان نموده که میزان ساعات کار و اختصاص یافتن بیشترین ساعات روز در محیط کار باعث شده است که فرصت کمتری برای پرداختن به اوقات فراغت باقی بماند و این امر باعث نارضایتی اغلب زنان شاغل از اوقات فراغت و عدم لذت آنها از این اوقات شود (علوی‌زاده، ۱۳۸۷). با اینکه در جهان امروز اوقات فراغت معنای عموم تری به خودگرفته و همانند گذشته‌های دور فقط به طبقات خاص و ممتاز جامعه اختصاص ندارد و به هر حال همه‌ی افراد جامعه می‌توانند با برنامه‌ریزی مناسب ساعاتی را به خود اختصاص دهند اما باز هم به دلیل یک سری از موانع و مشکلات نحوه گذران آن در بین بانوان شکل‌های متفاوتی یافته است. کمبود مراکز تفریحی و امکانات برای گذران اوقات فراغت مانع دوم از نظر زنان بود که با توجه به اینکه در جامعه ما فضاهای فراغتی و موسسات و نهادهایی که زنان می‌توانند در آن حضور یابند بسیار کمتر از مردان است. به بیان دیگر بسیاری از زنان از فضای یکسانی برای کار و اوقات فراغت بهره می‌گیرند که عمدتاً همان فضای خصوصی و خانه محور است. از طرف دیگر زنان در شهرهای کوچک عضویت کمی در نهادها و انجمن‌ها و گروه‌های مختلف و فعالیت در آنها دارند شاید دلیل این عامل را نداشتن گروه‌ها و نهادهایی برای فعالیت باشد و یا عدم آشنایی آنها در رابطه با اینگونه فعالیت‌ها است. این نتایج نیز به طور دقیق منطبق و همسو با نتایج تحقیق علوی‌زاده و عرب مقدم و هندرسن می‌باشد؛ چون در نتایج تحقیق این پژوهشگران نیز فقدان و یا کمبود امکانات و فضاهای مناسب جهت گذران اوقات فراغت زنان را از عوامل بسیار مهم در عدم رضایت زنان و مشاکت آنان در اوقات فراغت ذکر شده است.

در جایی هم که از زنان بصورت باز سؤال شد که در صورت داشتن وقت دوست داشتند چه کارهایی در زمان اوقات فراغت خود انجام دهند. زنان بیشتر دوست داشتند که به مسافرت و تفریح بروند و با اینکه تمام وقت خود را صرف کارهای خانه و امور مربوط به فرزندان و همسر می‌کنند باز هم بیان می‌کنند که در صورت داشتن زمان فراغت این زمان را صرف کارهای خانه می‌کردند. انگار که کارخانه و رسیدگی به امور همسر و فرزندان با زندگی زنان عجین شده و جزء لاینفک زن ایرانی به حساب می‌آید. برای بسیاری از زنان شاغل که درگیر کاری دوگانه هستند «اوقات فراغت» زمانی است که صرف انجام کارهای خانه و بچه‌داری می‌شود زیرا تربیت آنها نیز به گونه‌ای است که «هوس» فراغتی آنها به این محدود می‌شود که ای‌کاش وقت بیشتری در اختیار داشتند تا باز هم بیشتر به انجام کارهای خانه بپردازند (رفعت‌جاه، ۱۳۸۶).

صرف‌نظر از عوامل فرهنگی که بیش از همه بر چند و چون فراغت زنان جامعه تاثیر می‌گذارد، وقت فراغت زنان تابعی است از خدمات اجتماعی و مراقبت‌های بهداشتی عمومی، مشارکت سایر اعضای خانواده در کار خانگی، گسترش نهادها و فضاها و تسهیلات تفریحی و ورزشی عمومی برای زنان، درآمد قابل مصرف و قابل اعتماد بودن وسیله حمل و نقل و ایمن بودن فضاهای فراغتی.

پیشنهادات

- با توجه به کمبود فضاهای گذران اوقات فراغت زنان در سطح کشور و بخصوص شهرهای کوچک، بهتر است که محل‌های کاری طرح و برنامه منطقی و عملی برای گذران این اوقات ارائه دهند. و برنامه‌ریزان در جهت گسترش فضاهای فراغتی عمومی نظیر ورزشگاه‌ها، فرهنگسراها و مراکز تفریحی مناسب با علایق زنان اقدام نمایند تا امکان گسترش فراغت‌های سالم که موجب رشد و بالندگی می‌شود، فراهم آید و انرژی ایشان در فراغت‌های سالم که موجب رشد و بالندگی می‌شود، فراهم آید و انرژی ایشان در فراغت‌های آسیب‌زا، مصرف‌گرایی و مدگرایی افراطی به هدر نرود.
- توجه نهاد دولت و مسئولان برای پرنمودن بهینه ی اوقات فراغت زنان، باید به گرایش‌ها و نیازها و تمایلات زنان توجه نمود و مشارکت خود آنان را در برنامه‌ریزی جلب کرد.
- از آنرو که پارک‌های شهری نیز از اماکن مناسب برای پرنمودن اوقات فراغت زنان بشمار می‌روند، باید در این مکان‌ها امنیت کامل برای زنان فراهم شود.
- رشد کمی و کیفی کتب و مجلات در زمینه مطالب علمی متناسب خصوصیات روانی زنان به منظور پرنمودن اوقات فراغت آنان .
- از آنجا که بیشترین اوقات فراغت زنان با رسانه‌های جمعی پر می‌شود توجه بیشتر به رسانه‌های جمعی و مسئله زنان و ارائه برنامه‌های متنوع برای سرگرم نمودن زنان و پرکردن اوقات فراغت آنان پیشنهاد می‌گردد.

منابع

۱. آبوت، پاملا و والاس، و. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
۲. بوردیو، پیر. (۱۳۸۱). *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلی*. ترجمه رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت.
۳. پورحسین. محمد. (۱۳۸۸). *بررسی وضعیت اوقات فراغت دانش آموزان در طول سال تحصیلی و راه‌های غنی سازی آن*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن).
۴. تورکیدسن، جرج. (۱۳۸۲). *اوقات فراغت*. ترجمه عباس اردکانیان. تهران: نوربخش.
۵. توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۵). *جامعه شناسی کار و مشاغل*. تهران: انتشارات سمت.
۶. سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۱). *بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان*.
۷. سبحانی‌نژاد، مهدی؛ افشار، عبدالله و زارعی، زهرا. (۱۳۸۸). *تبیین جایگاه و چگونگی اصلاح الگوی مصرف اوقات فراغت خانواده های ایرانی*. *فصلنامه فرهنگی دفاعی زنان و خانواده*، ۵(۱۶)، ۶۶-۲۳.
۸. حسینی، معصومه، رحیمی، لیلا، آجرلو، زهرا، مجیدی، زهره و روزبهان، نسرین. (۱۳۸۵). *بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت در بین زنان منطقه تحت پوشش پایگاه تحقیقات جمعیتی دکتر محمد قریب در شهر اراک*. *مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک (ره آورد دانش)*، ۹، ۲۱۰-۱۷۵.
۹. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۵). *لغت نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. ربانی، رسول و حامد شیری. (۱۳۸۸). *اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان*. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۲(۸)، ۲۴۲-۲۰۹.
۱۱. رجایی، مهنوش. (۱۳۸۳). *طلاهایی که دور می‌زنیم، بررسی قیاسی گذراندن اوقات فراغت در ایران به نسبت کشورهای پیشرفته*. *نشریه اعتماد* ۳/۳، ۱۳۸۳.
۱۲. رفعت‌جاه، مریم. (۱۳۸۶). *جنسیت و اوقات فراغت در عرصه‌های زندگی شهری*. *فصلنامه انسان شناسی*، ۴، ۷۳-۶۲.
۱۳. ریتزر، جرج. (۱۳۷۷). *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر نی.

۱۴. علوی‌زاده، امیر. (۱۳۸۷). بررسی چگونگی و نحوه گذران اوقات فراغت بانوان شهر کاشمر. فصلنامه جمعیت، ۶۴/۶۳، ۸۳-۶۱.
۱۵. عمید، حسن. (۱۳۵۶). فرهنگ عمید. تهران: جاویدان.
۱۶. کیویستو، پیترو. (۱۳۸۰). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. نشر نی.
۱۷. مقصودی، سوده و بستان، زهرا. (۱۳۸۳). بررسی مشکلات ناشی از هم‌زمانی نقش‌های خانگی و اجتماعی: زنان شاغل شهر کرمان. فصلنامه مطالعات زنان، ۲(۵)، ۱۵۰-۱۲۹.
۱۸. هیوود، لس، جان اسپینک، پی‌تر براهام، جان کاپترهارست، فرانسیس کیو، یان هنری. (۱۳۸۰). اوقات فراغت. ترجمه محمد احسانی. تهران: نشر امید دانش.
19. Arab Moghadam, N., Carla F.H. (2007). "womans leisure and constraints to participation: Iranian perspective". *jurnal of leisure research*. vol, 39. NO.1, PP. 109-126.
20. Dumais, S.A. (2002). "Cultural capital, gender and school success". *Sociology of Education*, No.1, pp. 44-60.
21. Green, E., Hebron, S & Woodward. D. (1990). *Women's leisure what leisure*, Basingstoke: Macmillan.
22. Parker, S. (1971). *The Future of Work and Leisure*, London: Mac Gibbon & kee.
23. Tuyckom, V., Scheerder. J. (2010). "A multilevel analysis of social stratification patterns of leisure-time physical activity among Europeans *Science & Sports*, In Press, Corrected Proof, Available online 11 June 2010 C. Van Tuyckom, J. Scheerder.
24. Turner, J. (2003). *The Structure of Sociological Theory*. Belmont, C A: Wadsworth.
25. Thrane, Ch. (2002). "Men, women and leisure time: Scandinavian evidence of gender inequality". *Leisure Sciences*, vol. 22. Issue. 2, pp.109-122.
26. Swartz, D. L. (2002). "The occupational theory". *Journal of Research*. Vol. 12. NO. 3. pp. 59-78.